



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم موجبات ارث یا نسب است یا سبب، نسب یعنی ارتباط و اتصال دو نفر با هم بواسطه ولادت مثل پدر و فرزند که ارتباط آنها بلاواسطه است و از طبقه اول ارث هستند (آبوان و اولاد) و اما اگر یک واسطه در بین باشد مثل إخوة و أجداد طبقه دوم و اگر دو واسطه در بین باشد مثل اعمام و أخوال طبقه سوم ارث هستند.

عرض کردیم صاحب جواهر در جلد ۳۹ از جواهر ۴۳ جلدی از صفحه ۷ الی ۱۰ بحث مربوط به نسب را مطرح کرده فرموده: «الأولى: في موجبات الإرث (وأسبابه) (وهي إما نسب) وهو الاتصال بالولادة بانتها أحد الشخصين إلى الآخر، كالأب والابن، أو بانتهاهما إلى ثالث مع صدق النسب عرفاً على الوجه الشرعي أو ما في حكمه، فالتولد من الزنا لا إرث به بخلاف الشبهة ونكاح أهل الملل الفاسدة»^۱.

خب و اما بحث به اینجا رسید که سابقاً همینطور فکر می کردند که نسب غیر شرعی منحصر به زنا کردن است اما خب در زمان ما جریان هائی بوجود آمده که زنا نیست ولی از زن و مردی که به هم نامحرم هستند فرزند بوجود می آید مثلاً بانک هائی وجود دارد که منی مردها در آنجا ذخیره و نگهداری می شود و افرادی که از راه معمول بارور نمی شوند مراجعه می کنند و متخصصین آن نطفه ای که ذخیره شده را با یک وسیله ای در رحم زن وارد می کنند و زن آبتن می شود و فرزند می آورد خب این زنا به آن معنای خاص در ذهن که یک نوع آمیزش با شکل خاصی است نمی باشد اما آیا در این موارد ارث ثابت است و أدله داله بر ارث شامل این موارد نیز می شوند یا نه؟.

امام رضوان الله علیه در تحریر الوسيله در مسائل مستحدثه این بحث را مطرح کرده و فرموده: "فمنها التلقيح والتوليد الصناعيان"، عرض کردیم این صوری دارد که امام رضوان الله علیه نیز دو صورت را بیان کردند:

اول اینکه مرد مثلاً بخاطر ضعف یا مرض و امثالها قدرت اینکه نطفه خود را به آن محل برساند ندارد حالاً نطفه او را می گیرند و

فرض بر این است که به صورت حلال و شرعی میگیرند و بعد با یک وسیله ای با تخمک زن خودش مخلوط می کنند و بعد تلقیح می کنند و زن باردار می شود خب در این صورت اشکالی نیست زیرا نطفه مال خود مرد است و رحم نیز مال زن خودش است و نسب در واقع نسب شرعی می باشد.

صورت بعدی این است که مرد استمناء می کند و یا شخص دیگری با وسیله ای منی مرد را می گیرد و یا کلاً انجام این کار مستلزم نگاه و یا لمس عورت می باشد خلاصه اینکه اگر به این صورت نطفه مرد را به رحم زن برسانند حرمت تکلیفی دارد اما از نظر حکم وضعی اشکالی ندارد و در واقع فرزند همان مرد و زن محسوب می شود و ارث ثابت است.

صورت سوم اینکه نطفه مرد اجنبی در رحم زن اجنبی قرار داده می شود که این دو صورت دارد؛ اول اینکه صاحب نطفه معلوم است و می دانند برای کیست، دوم اینکه نمی دانند نطفه برای کیست، که خب هر دو صورت اشکال دارد و در واقع رساندن نطفه غیر به رحم زن اشکال دارد زیرا این رحم بواسطه ازدواج فقط متعلق به همسرش می باشد و فقط همسر خودش حق دارد نطفه اش را داخل رحم زن خودش قرار بدهد، علی ای حال فرض بر این است که نطفه غیر در رحم زن قرار گرفته که خب اگر بدانند حرام است و اگر ندانند هم حرام است، برخی این بحث را مطرح کرده اند و با تمسک به أدله برائت عقلی و شرعی فرموده اند این صورت اشکالی ندارد زیرا زنا صورت نگرفته و آنچه که باعث می شود نسب شرعی واقع نشود زنا می باشد حالاً ما باید ببینیم اهل بیت علیهم السلام در این رابطه چه می فرمایند، البته مطلبی که در اینجا وجود دارد این است که اگر در چنین مواردی شک کنیم نمی توانیم به اصل برائت مراجعه کنیم زیرا بر خلاف موارد دیگر در شبهات بدویه ی (چه حکمی و چه موضوعیه) مربوط به امور سه گانه فروج و اموال و دماء نیز باید احتیاط کنیم.

خب و اما چند روایت می خوانیم تا مطلب روشن شود:

خبر اول: ﴿عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ إِسْنَادَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ، عَنِ شَعِيبِ الْخَدَّادِ قَالَ: قَالَتْ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَجُلٌ مِنْ مَوَالِيكَ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَقَدْ أَرَادَ أَنْ يَنْزُجَ امْرَأَةً وَقَدْ وَافَقْتَهُ وَأَعْجَبَهُ بَعْضُ شَأْنِهَا، وَقَدْ كَانَ لَهَا زَوْجٌ فَطَلَّقَهَا عَلَى غَيْرِ السَّنَةِ، وَقَدْ كَرِهَ أَنْ يَقْدَمَ عَلَى تَرْوِيجِهَا حَتَّى يَسْتَأْمَرَكَ فَتَكُونِ أَنْتَ تَأْمَرُهَا، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُوَ الْفَرْجُ، وَأَمْرُ الْفَرْجِ شَدِيدٌ، وَمَنْ يَكُونُ الْوَلَدُ، وَنَحْنُ نَحْتَاظُ فَلَا

^۱ جواهر الكلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۷.

خبر اول: ﴿مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَى بِرَجُلٍ عَيْثُ بَدَّكَرَهُ، فَضَرَبَ يَدَهُ حَتَّى أَحْمَرَتْ (این تعزیر است و با حد فرق دارد) ثُمَّ زَوْجَهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ﴾^۵.

سند خبر خوب است.

نکته مهمی که از این خبر استفاده می شود این است که مدیر جامعه اسلامی همانطور که وظیفه اجراء حد الهی را به عهده دارد وظیفه دارد برای جوانانی که نیاز به ازدواج دارند نیز زن اختیار کند.

خبر دوم: ﴿وَعَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِي، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي حَمْرَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ: عَلَيْهِ السَّلَامُ: الزَّانَا شَرٌّ أَوْ شَرُّ الْخَمْرِ؟ وَكَيْفَ صَارَ فِي شَرْبِ الْخَمْرِ ثَمَانُونَ وَفِي الزَّانَا مِائَةٌ؟ فَقَالَ: يَا إِسْحَاقُ الْحَدُّ وَاحِدٌ وَلَكِنْ زَيْدٌ هَذَا لِتَضْيِيعِهِ النُّطْفَةَ وَلَوْضَعِهِ إِيَّاهَا فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ: وَرَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ مِثْلَهُ﴾^۶.

سند این خبر نیز خوب است.

در سوره مومنون ذکر شده: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ (۵) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶)﴾^۷، یعنی شارع مقدس اینطور تجویز کرده که فقط نطفه شوهر در رحم زن قرار بگیرد لذا تا زوجیت و محرمیت شرعی مثل ملک یمین در بین نباشد داخل کردن نطفه مرد نامحرم در رحم زن نامحرم جائز نیست. روایات دیگری نیز داریم که بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

يتزوجها. ورواه الكليني عن عدة من أصحابنا، عن أحمد ابن محمد، عن الحسين بن سعيد مثله^۲.

سند حدیث: شیخ طوسی طبقه ۱۲ و حسین بن سعید طبقه ۶ است و این خبر را در واقع شیخ از کتاب حسین بن سعید گرفته و اسناد شیخ به حسین بن سعید خوب است و خود او نیز بسیار خوب می باشد، نضر بن سوید نیز از طبقه ۶ و بسیار خوب است، محمد بن ابی حمزه ثمالی پسر ابی حمزه ثمالی و از طبقه ۵ و بسیار خوب و ثقة می باشد، شعیب حداد نیز از طبقه ۵ و ثقة می باشد، خبر در اعلی درجه صحت قرار دارد.

خب از این خبر استفاده می شود که در امر فرج و آنچه که مربوط به نکاح است اهل بیت علیهم السلام بسیار احتیاط می کردند.

خبر دوم: ﴿وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ مَسْعُودَةَ ابْنِ زَيْدٍ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: لَا تَجَامَعُوا فِي النِّكَاحِ عَلَى الشَّبْهَةِ وَقَفُوا عِنْدَ الشَّبْهَةِ، يَقُولُ: إِذَا بَلَغْتَ أَنْكَ قَدْ رَضَعْتَ مِنْ لَبْنِهَا وَأَنْهَا لَكَ مُحْرَمٌ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ فَانِ الْوَقُوفَ عِنْدَ الشَّبْهَةِ خَيْرٌ مِنَ الْاِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ﴾^۳.

سند این خبر نیز خوب است.

خبر سوم: ﴿مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ سِيَابَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ امْرَأَةٍ وَكَلَّتْ رَجُلًا بَأَن يَزُوجَهَا مِنْ رَجُلٍ "إِلَى أَنْ قَالَ: " فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ النِّكَاحَ أَحْرَى (سزاوارتر) وَأَحْرَى أَنْ يَخْتَبَطَ فِيهِ وَهُوَ فَرْجٌ، وَمَنْهُ يَكُونُ الْوَلَدُ، الْحَدِيثُ. وَرَوَاهُ الشَّيْخُ كَمَا تَقَدَّمَ فِي الْوَكَاةِ. أَقُولُ: وَأَحَادِيثُ الْأَمْرِ بِالْاِحْتِيَاظِ كَثِيرَةٌ جَدَا يَأْتِي بَعْضُهَا فِي الْقَضَاءِ﴾^۴.

سند این خبر هم خوب می باشد.

اخبار دیگری در باب ۲۸ از ابواب مقدمات نکاح در این رابطه ذکر شده که تمام آنها را نمی خوانیم بلکه چند خبر به عنوان نمونه می خوانیم:

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حرعاملی، ج ۱۴، ص ۱۹۳، ابواب مقدمات نکاح و آدابه، باب ۱۵۷، حدیث ۱، ط الإسلامية.

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حرعاملی، ج ۱۴، ص ۱۹۳، ابواب مقدمات نکاح و آدابه، باب ۱۵۷، حدیث ۲، ط الإسلامية.

^۴ وسائل الشیعة، شیخ حرعاملی، ج ۱۴، ص ۱۹۴، ابواب مقدمات نکاح و آدابه، باب ۱۵۷، حدیث ۳، ط الإسلامية.

^۵ وسائل الشیعة، شیخ حرعاملی، ج ۱۴، ص ۲۶۷، ابواب مقدمات نکاح، باب ۲۸،

حدیث ۳، ط الإسلامية.

^۶ وسائل الشیعة، شیخ حرعاملی، ج ۱۴، ص ۲۶۷، ابواب مقدمات نکاح، باب ۲۸،

حدیث ۴، ط الإسلامية.

^۷ سوره مومنون، آیه ۵ و ۶.